

انگلیس، سوئد، دانمارک و یونان هنوز از نپذیرفتن «یورو» متضرر نشده‌اند

نشاره:
از آغاز به جریان افتادن «یورو» در یازده کشور عضو پیمان اتحادیه پولی اروپا در ژانویه ۱۹۹۹ تاکنون، بحث درباره منافع و مضار عدم عضویت چهار کشور اروپایی (انگلیس، سوئد، دانمارک و یونان) مطرح شده است. مطالعات انجام شده تاکنون نشان می‌دهد که این کشورها از نپذیرفتن «یورو» به عنوان پول ملی، هنوز متضرر نشده‌اند، اما اینکه آینده چه خواهد شد، جای بحث و بررسی‌های کارشناسانه دارد.

هفته‌نامه «تایم» در شماره اخیر خود به بررسی موقعیت چهار کشور یادشده پرداخته است. نظر به اهمیت موضوع، گزارش مذکور توسط خانم لیلی عمرلی ترجمه و تدوین شده و به نظر خوانندگان گرامی می‌رسد.

چهار کشور عضو اتحادیه اروپا (انگلیس، دانمارک، سوئد و یونان) که پس از معرفی «یورو» در آغاز سال ۱۹۹۹ به کشورهای پذیرنده این واحد پولی ملحق نشدند، از این که در این جرگه نبودند، هنوز متضرر نشده‌اند.

اخبار خوشایندی درباره موقعیت اقتصادی این کشورها مشاهده می‌شود. از جمله آنکه اقتصاد سوئد رو به شکوفایی است. برآورد می‌شود اقتصاد سوئد در سال ۱۹۹۹ تقریباً ۴ درصد رشد یابد که نزدیک به دو برابر میانگین نرخ رشد اقتصادی در اتحادیه اروپاست.

میزان بیکاری در دانمارک که در همسایگی سوئد قرار دارد، از ۱۲/۱ درصد سطح رکودگونه در سال ۱۹۹۳ به ۵/۷ درصد جمعیت فعال این کشور در حال حاضر کاهش یافته است.

ارزش سهام در یونان در سال ۱۹۹۹ به میزان ۹۵ درصد رشد یافته است که

کشور عضو اتحادیه اروپاست که مایل بود به «یورو» بپیوندد، ولی نتوانست معیارهای سخت اقتصادی و بودجه‌ای اتحادیه پولی و اقتصادی اروپا را عملی کند.

دولت دانمارک سرگرم مذاکره در مورد تعیین تاریخی برای همه‌پرسی برای تصویب این تغییر است. «گوران پرسون» نخست‌وزیر سوئد اخیراً گفت، دیگر این امکان برای کشورش وجود ندارد که به «یورو» پاسخ منفی دهد.

فقط انگلیس یک علامت سؤال است که همچنان از زمان آغاز به کار «یورو» با آن مخالف بوده است.

گرچه اقتصاد شکوفای چهار کشور غیرعضو «یورو» تردیدهایی را در مورد منافع اقتصادی حاصله از الحاق به اتحادیه پولی اروپا مطرح کرده‌اند، ولی بیشترین و پرسررصدترین مباحثات علیه این مسأله به طور عمده سیاسی و

بهترین عملکرد را در اروپا نشان می‌دهد و معاملات شرکت‌هایی که با منطقه «یورو» انجام شده، در بازارهای مالی انگلیس در نیمه اول سال جاری تا ۵۹ درصد افزایش داشته است.

گرچه اقتصاددانان هیچ کمبود نظریه‌ای برای توضیح اخبار خوب اقتصادی ندارند، نادیده گرفتن یک مسأله که اقتصاد چهار کشور مذکور یک وجه مشترک دارند، مشکل است. این وجه مشترک آن است که آنها به ۱۱ کشور دیگر عضو اتحادیه که «یورو» را پذیرفته‌اند، ملحق نشده‌اند. یازده کشور مورد بحث در ژانویه ۱۹۹۹ یک ارز مشترک به نام «یورو» را قبول کردند.

بنابراین عادلانه است که پرسیم: آیا موقعیت کسانی که «یورو» را نپذیرفته‌اند، فرصت‌ها و شانس‌های «یورو» را برای جذب اعضای جدید از بین نخواهد برد؟ پاسخ باید منفی باشد. یونان تنها

حتی فرهنگی هستند. از لندن تا استکهلم که نسبت به «یورو» مشکوک می‌باشند، نگران از دست دادن حاکمیت ملی خود هستند که تلویحاً در واگذاری پوند یا کرون به نفع ارز مشترک است.

پیش‌بینی می‌شود که یوروکرات‌های بروکسل برای ملزم ساختن انگلیس به پذیرفتن وضعیت رفاهی اروپا که بسیاری از شکاکان انگلیس را از سر باز

می‌کند، وارد عمل شوند. این در حالی است که مخالفان یورو در سوئد و دانمارک در مورد نگرانی‌های ناشی از اینکه پذیرش «یورو» منجر به کاهش مالیات‌ها و تجزیه وضعیت رفاهی می‌شود، اتفاق نظر دارند.

گزارش‌های مربوط به فساد و اختلاس‌های اخیر در مورد کمیسیون اروپا، به رأی‌دهندگان در انگلیس و کشورهای شمال اروپا یعنی کشورهای که در آنها خطای شخصیت‌های دولتی کمتر از سایر کشورها تحمل شده، هشداردهنده است.

حمایت از «یورو» در سوئد و دانمارک در زمان اوج اختلاس‌ها به میزان قابل توجهی کاهش یافت.

«هولگرک. نیلسن» رهبر حزب خلق سوسیالیست دانمارک می‌گوید: عواقب سیاسی الحاق به «یورو» واقعاً مورد بحث قرار نمی‌گیرند.

اقتصاددانان این مسأله را روشن ساخته‌اند که دوران خوب اقتصادی در چهار کشور غیرعضو «یورو» به میزان وسیعی احتمالاً بر اساس این پیش‌بینی است که آنها در نهایت به «یورو» خواهند

پیوست.

اما اگر آنها به واقع تصمیم بگیرند به گروه «یورو» ملحق نشوند، در آن صورت واکنش بازار می‌تواند منفی باشد. «یونیس لاکو» اقتصاددان ارشد در

○ رشد اقتصادی ۴ درصد سوئد، کاهش بیکاری در دانمارک تا سطح ۵/۷ درصد جمعیت فعال این کشور، افزایش ۹۵ درصدی ارزش سهام در یونان و رشد ۵۹ درصدی معاملات شرکت‌های انگلیسی با منطقه «یورو» نشان می‌دهد که این کشورها هنوز از نپذیرفتن «یورو» متضرر نشده‌اند.

کنفدراسیون صنایع انگلیس می‌گوید: به تصور من چنانچه انگلیس تصمیم بگیرد هرگز به «یورو» ملحق نشود، در آن صورت ما شاهد تأثیر زیاد این قضیه بر سطح سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی خواهیم بود.

قرن‌هاست که رأی‌دهندگان انگلیس نسبت به سیاستمداران اروپا مشکوک هستند. تحقیر شدن انگلیس به خاطر اینکه توسط محتکرین فریبکار در سپتامبر ۱۹۹۴ ملزم به کناره‌گیری از پیش‌کسوت «یورو» یعنی «مکانیزم نرخ ارز» شد، همچنان در اذهان مردم جریان دارد. انگلیس تنها کشور از چهار کشور غیرعضو «یورو» است که کارهای بازرگانی در آن به میزانی نیست که به ارز مشترک ملحق شود.

در حقیقت، بررسی که تایمز مالی از یک هزار کمپانی انگلیسی به عمل آورده، نشان می‌دهد که تنها نیمی از آنها خواستار ملحق شدن به «یورو» هستند که از ۶۳ درصد سال ۱۹۹۸ کمتر است.

«گرائم لیچ» اقتصاددان ارشد در «توسعه مدیران» یعنی اتحادیه‌ای متشکل از ۶۰ هزار مدیر می‌گوید که انگلیس به

میزان قابل توجهی با بقیه کشورهای اروپا تفاوت دارد.

وی می‌گوید: انگلیس مجموعه اثرگذاری مستیرهای اقتصادی مانند بازارهای کار، بازارهای مسکن، بازارهای

مالی، اندازه بخش دولتی، در پایان طیف قرار دارد.

«پل ترنبال» از برسانک

سرمایه‌گذاری آمریکا مریل لینچ می‌گوید: در حالی که انگلیس اکثر

صادرات کارخانه‌ای خود را به اروپا می‌فروشد، اقتصاد انگلیس تمایل دارد که بیشتر به «کار تجاری» در آمریکا مرتبط شود، لذا ملاحظات متضاد زیادی وجود دارد.

جای بحث نیست که خارج از منطقه «یورو» بودن حتی دو سال قبل از آنکه اسکناس‌ها و سکه‌های «یورو» به جریان بیفتند، برای برخی شرکت‌ها دردناک است.

«جان استارباک» مدیرعامل شرکت تسویف‌لکس با مسئولیت محدود، که قریب ۶۰ درصد دیسک ترمزهای خود را به کشورهای عضو اتحادیه اروپا صادر می‌کند، برآورد می‌کند که افزایش ارزش پوند در مقابل «یورو» برای شرکت وی ۱/۵ میلیون دلار هزینه در برداشته که این میزان حدود ۱۴ درصد فروش سالانه آن است.

منطقه مالی لندن که به «شهر» مشهور است، به طرز شگفت‌آوری با رونق و کامیابی که به دست آورده، دانشمندان را به مبارزه طلبیده است.

«لرد لوینز» می‌گوید: ما بهترین بازیکنان میدانی را داریم، ولی معدودی

از فینالیست‌های آن انگلیسی‌تبار هستند. کشورها یا نیروهای طرفدار «یورو» در ضمن می‌گویند که اگر انگلیس بخواهد حرفی برای گفتن در اقتصاد جهانی داشته باشد، باید این حرف از طریق اتحادیه اروپا گفته شود.

«ریچارد بورت» پروفیسور اقتصاد در مدرسه بازرگانی لندن توضیح داد که در خارج از انگلیس، «راهبرد ما فقط می‌تواند اقتصاد باز کوچکی باشد».

ایشان در نطقی که در شورای تحقیقات اقتصادی و اجتماعی ایراد کرد، تمایل انگلیس به داشتن رابطه ویژه اقتصادی با آمریکا را به تمسخر و استهزا گرفت.

بخشی از مسایل «یورو» در انگلیس از این حقیقت نشأت می‌گیرد که با توجه به نتایج همه‌پرسی در زمینه پذیرش «یورو»، هیچ‌یک از احزاب سیاسی نیز موافق الحاق انگلیس به «یورو» نمی‌باشند.

«تونی بلر» نخست‌وزیر انگلیس خود را در نصیحت کردن به هر دو طرف مسأله زبردست و ماهر نشان داده است و با برگزاری همه‌پرسی تا پس از انتخابات بعدی پارلمان که قبل از مه ۲۰۰۲ انجام شود، مخالفت کرده است.

بلر اوایل نوامبر ۱۹۹۹ در کنفرانس «صنایع انگلیس» CBI اعلام کرد: یک ارز واحد موفق در اصل و در چارچوب بازار واحد اروپا از نظر مبادلات تجاری، شفافیت هزینه‌ها و ثبات ارز به نفع انگلیس خواهد بود.

وی گفت: لیکن در عمل، ما فقط زمانی می‌توانیم به یک ارز واحد موفق ملحق شویم که از نظر اقتصادی بهترین منافع را برای انگلیس دربرداشته باشد.

بر اساس همه‌پرسی ICM که برای مشاوره گروه بازرگانی برای استرلینگ در

اکتبر ۱۹۹۹ انجام شد، ۵۸ درصد انگلیسی‌ها تمایل به ماندن در اتحادیه اروپا را داشتند، ولی پوند و پنس را حفظ کنند. بحث سیاسی در اسکاندیناوی تا حد زیادی در پی بن‌بست در انگلیس (برای پذیرش «یورو») بالا گرفته است.

اکثریت رأی‌دهندگان در دانمارک برای اولین بار در سپتامبر گذشته به «یورو» رأی مثبت دادند. این توافق اندکی پس از افزایش شدید نرخ‌های بهره برای حمایت از کرون از سوی بانک مرکزی دانمارک در آستانه بحران مالی روسیه بود.

«سوگتر لیکتوفت» وزیر دارایی دانمارک اخیراً طی نطقی گفت: الحاق به «یورو» برای دانمارک امتیاز خوبی دارد، زیرا دوسوم صادرات این کشور به کشورهای عضو اتحادیه اروپاست.

«کارستن اسکسجالم» کارشناس «یورو» در مؤسسه امور بین‌الملل دانمارک گفت: اینک محتمل به نظر می‌رسد که دولت مبادرت به یک همه‌پرسی تا نوامبر سال بعد با هدف پیوستن به «یورو» تا سال ۲۰۰۱ کند.

وی می‌گوید: قبلاً بحث بر سر این مسأله بود که آیا ما بعد از سال ۲۰۰۲ از «یورو» استفاده خواهیم کرد یا خیر؟ ولی اینک به نظر می‌رسد که تا سال ۲۰۰۲ به «یورو» ملحق خواهیم شد.

دانمارک نیز همچون سوئد، با غیرعضو ماندن در منطقه «یورو» از مزایایی حدود نیم درصد در نرخ‌های بهره نسبت به نرخ تعیین شده در فرانکفورت به وسیله بانک مرکزی اروپا، برخوردار بوده است.

هر دو کشور سیاست‌های پولی طراحی شده برای الگو قرار دادن بانک مرکزی اروپا را پذیرفته‌اند، گرچه آنها به‌طور رسمی در منطقه «یورو» هستند.

برخی از اقتصاددانان بیم دارند که مبادا شکوفایی دوران اقتصادی احتمالاً موجب شود که رأی‌دهندگان روی مسایل دیگری پافشاری کنند.

بسیاری از تحلیلگران اعتقاد دارند که آسان‌تر است این پذیرش در میان بحران ارزی مانند آنچه در اوت ۱۹۹۸ رخ داد، صورت گیرد.

دولت دانمارک خاطره ناخوشایند رد اولیه «پیمان ماستریخت در مورد اتحادیه اروپا» در سال ۱۹۹۲ را هنوز دارد، گرچه هر روزنامه و سیاستمدار معتبر و مهمی از پیمان ماستریخت حمایت کرد، ولی رأی‌دهندگان در لحظه آخر با آن مخالفت کردند. دولت دانمارک می‌خواهد از آن اشتباهی که مرتکب شده، در مورد همه‌پرسی «یورو» اجتناب ورزند.

دولت سوئد در مورد پذیرش «یورو» حتی از دانمارک محتاط‌تر بوده است. پرسون، نخست‌وزیر سوئد اوایل ماه نوامبر ۱۹۹۹ «یورو» را به نوعی تأیید منفی کرده است. پرسون در مصاحبه با تایمز مالی لندن گفت: برای ما غیرممکن است که جواب منفی بدهیم. ما فقط دو راه داریم. بله، ما می‌خواهیم اینک وارد منطقه «یورو» بشویم یا بله، ما می‌خواهیم بعداً وارد منطقه «یورو» بشویم.

آخرین همه‌پرسی که در روزنامه مالی «فینانستیدنینگن» قبل از اظهار نظر پرسون چاپ شد، حاکی از این بود که ۴۵ درصد مردم سوئد به ارز واحد رای مثبت دادند که افزایشی به میزان ۲ درصد از اکتبر ۱۹۹۸ را نشان می‌دهد. این در حالی است که ۴۱ درصد مخالف این امر بودند.

برخلاف دانمارک که فاقد صنایع تبدیلی منابع طبیعی است، اقتصاددانان نگران هستند که صنایع کاغذ و خمیر کاغذ سوئد با سیاست پولی جامع تعیین

شده در فرانکفورت آسیب‌پذیرتر شود. این مسأله یکی از ابزارهای اصلی کمک به این کشور پوشیده از درخت در شمال شرقی اروپا را در دوران بحران از بین می‌برد.

«پسر - اولوف اوین» اقتصاددان کنفدراسیون اتحادیه کارگری سوئد می‌گوید: پادزهر سنتی برای سوئد، کاهش ارزش ارز آن کشور است. چیزی که در زمان پذیرش «یورو» امکان آن وجود ندارد.

«احتمالاً تأثیر الحاق به «یورو» برای پنج تا ده سال معلوم نمی‌شود، ولی این یقین وجود دارد که دیر یا زود شوک اقتصادی در اروپا مانند بحران نفت دهه ۱۹۷۰ رخ خواهد داد و سؤال این است که آیا به دلیل وجود «یورو»، زیان به مراتب بیشتری روی خواهد داد؟»

لیکن حجم اعظم اقتصاد سوئد تحت سلطه صادرکنندگان بزرگی همچون شرکت‌های اریکسون، الکترولوکس، ولوو و ساب است.

با وجود آنکه شرکت‌های یادشده در حال حاضر رو به بهبود هستند، ولی برای الحاق به اتحادیه پولی تحت فشار می‌باشند و این بیم را به وجود آورده‌اند که اگر سوئد به منطقه «یورو» نپیوندد، در آن صورت این شرکت‌ها با حرکت به سوی کشورهای عضو منطقه «یورو» به‌طور مستقل عمل خواهند کرد.

«مارکوس والن برگ» رییس شرکت «اینوسترو» می‌گوید: البته بسیاری از شرکت‌های بزرگ سوئدی می‌توانند بدون آنکه در منطقه «یورو» باشند، خود را اداره کنند، ولی منابعشان تمام می‌شود و ما کشور خود را با از دست دادن توانایی‌هایش به مخاطره می‌اندازیم.

«اینوسترو» یک شرکت سرمایه‌گذاری است که ۴۰ درصد سرمایه بورس سهام

استکهلم را در کنترل خود دارد.

«کلاس اکلاند» اقتصاددان ارشد در بزرگترین بانک سوئد می‌گوید: اگر سوئد را به طرف یورولند سوق دهیم، مفیدتر است تا بخش‌هایی از صنایع سوئد آن حرکت را انجام دهند.

وی معتقد است که تغییر اخیر در احساسات موافق مربوط به پیوستن به «یورو» کاملاً به دلیل عوامل اقتصادی نیست.

وی گفت: ضرر و زیان سیاسی خارج از منطقه «یورو» بودن رو به نمایان شدن است.

وی گفت: سوئد هیچ سخنی در کمیته‌های اقتصادی یا دفاعی اتحادیه اروپا نگفته، با توجه به اینکه قرار است سوئد در سال ۲۰۰۱ ریاست جامعه اروپا را برعهده گیرد.

اگر تصمیمی در مورد الحاق به «یورو» اتخاذ نشود، تأسّف‌بار خواهد بود. جایی که منافع الحاق به «یورو» به ظاهر فاش نشده، کشور یونان است. کشوری که دولت «کاستاس سی‌سی‌تیس» نخست‌وزیر آن در سال ۱۹۹۶ قدرت را به دست گرفت و قول داد که یونان را وارد یورولند کند.

یونان به منظور تأمین نیازهای اقتصادی و بودجه‌ای برای عضویت در اتحادیه اروپا که در خلال دور اول رد شد، مبادرت به کاهش ارزش دراخما (واحد پول یونان) تا ۱۲ درصد و خصوصی‌سازی شرکت‌های دولتی بدهکار و پایین آوردن تورم و رساندن آن به ۲ درصد در سال کرد. در بودجه سال ۲۰۰۰ یونان، کسری به میزان ۱/۲ درصد تولید ناخالص داخلی پیش‌بینی شده که به مراتب کمتر از معیار ماستریخت برای الحاق به «یورو» است. افزایش میزان تورم همچنان یک

عامل نگران‌کننده برای یونان است که می‌تواند روند عضویت «یورو» را منحرف سازد. «اوریکوس سارستیس» از دفتر اوراق بهادار تله‌سیس مستقر در آتن می‌گوید: مهار کردن تورم یونان یک دردسر بزرگ است.

نرخ بهره در یونان در حال حاضر ۱۱ درصد است که به مراتب بیش از ۳ درصد در یورولند می‌باشد. با همگرایی دو نرخ، یونان می‌تواند نوعی از شکوفایی را در حال حاضر تجربه کند، همان شکوفایی که در اسپانیا و پرتغال موجود است و می‌تواند نیروهای تورم‌زا را از بین ببرد.

با حصول این اطمینان که یونان در سال ۲۰۰۰ میلادی اقدام به پذیرش «یورو» کند و به دنبال آن سوئد و دانمارک نیز این جهت را در پی گیرند، فشار بر روی انگلیس که خارج از یورولند نباشد، افزایش خواهد یافت.

همان‌طور که مباحثات اخیر در مورد کسر مالیات در سرمایه‌گذاری نشان داد، انگلیس نومیدانه می‌خواهد روی نظراتش هنگام تصمیم‌گیری‌های اقتصادی در اروپا طی چند سال آینده حساب شود. این نظرات شامل مسأله «هماهنگ‌سازی» مالیات بر درآمد و فروش و تعیین سیاست سراسری اروپاست.

تونی بلر احتمالاً ادعا می‌کند که تصمیم متخذه مبنی بر پیوستن به اتحادیه پولی اروپا بر معیار اقتصادی مبتنی است. لیکن همان‌طور که سوئد و دانمارک اینک اعلام می‌کنند، این امر به‌طور فزاینده برای یک کشور مشکل خواهد بود. زمانی که تصمیمات گرفته می‌شود، بشنود رهبرانش مجبور هستند پشت درهای بسته با برچسب «یورو» منتظر بمانند.